
نامه‌های منوچهر

[متن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه پهلوی]

دکتر بدالله منصوری

(هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

پویا زمریفانی

(دانش‌آموخته زبان‌های باستان)

انتشارات آوای خاور

تهران، ۱۳۹۴

نام کتاب: نامه‌های منوچهر

[متن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه پهلوی]

نویسندگان: دکتر یدالله منصوری و پویا شریفانی

طراح جلد: مهدی رادمهر

ناشر: آوای خاور

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: یکم

چاپ: روز

قیمت: چاپ شده ۴۰۰۰۰۰ ریال، جلد گالینگور ۵۰۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای نویسندگان محفوظ است.

مرکز پخش: تهران. بالاتر از میدان ولیعصر. کمپنه طرحی پلاک ۴۱ واحد ۷

Mobile: (+98) 930 554 03 08

Tel: (+98) 21 888 956 21

Fax: (+98) 21 364 262 58

www.avayekhavar.ir

سرشناسه : منصوری، یدالله، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور : نامه‌های منوچهر [متن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه پهلوی]/

یدالله منصوری، پویا شریفانی.

مشخصات نشر : تهران: آوای خاور، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۴۵۲ ص.

شابک : 978-600-95387-2-7

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : واژه‌نامه.

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

موضوع : زبان پهلوی - متنها

موضوع : زبان پهلوی - نویسه‌گردانی

موضوع : ادبیات پهلوی - تاریخ و نقد

شناسه افزوده : شریفانی، پویا، ۱۳۵۷ -

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۲ ن ۸ م / PIR 2051

رده‌بندی دیویی : ۴۰۶ / ۴

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۷۰۴۹۵

فهرست

پیش‌گفتار	۷
نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها	۱۹
آوانویسی متن	۲۳
برگردان نامه دوم	۱۲۷
واژه‌نامه پهلوی	۱۳۵
کتاب‌نامه	۲۵۹
نمایه پهلوی	۲۶۵
نمایه اعداد	۳۳۷
نمایه اوستایی	۳۴۱
متن پهلوی	۳۴۷

پیش‌گفتار

کتابی که پیش‌روی خوانندگان است متن انتقادی دست‌نویس پهلوی نامه‌های منوچهر، موبد بزرگ پارس و کرمان، از سده نهم میلادی است. روشن است که یکی از کارهای ارزشمند، ویرایش و تصحیح انتقادی و برگردان و ترجمه متون کهن ایران است؛ کار ما هم در راستای چنین نگرش و دیدگاهی انجام گرفته است تا شاید گامی باشد، هرچند ناچیز، در پژوهش‌های ایرانی و زبان‌شناسی تاریخی ایران.

متن پهلوی نامه‌های منوچهر یکی از متون دشوار و پیچیده‌ای است که تاکنون بررسی درست و دست‌نویس منبج از آن صورت نگرفته است و به پیروی از آن برگردان و ترجمه فارسی هم به صورت کتاب منتشر نشده است. متن پهلوی آن را دابار دانشمند پارسی به سال ۱۹۱۲ در بمبئی چاپ کرده است.^۱ باید یادآوری کرد که با وجود دشواری خوانی و اغلاط املا، در بدرستی‌های رسم‌النخط، کار دابار بسیار ارزشمند است و می‌توان گفت که تنها و راست‌ترین ارزشمند و معتبر برای این متن است. دابار این اثر نادر را در ۹۹ صفحه، در آردا، نسخه‌بدل‌های گوناگون تطبیقی برای همه واژگان پرسش‌برانگیز برپایه دست‌نویس‌های یادشده کار سترگی را سامان داده است. اما کار متن برای دریافت محتوا و جستارهای آن تنها از طریق متن تکمیل نمی‌شود، بلکه در بررسی این‌گونه متون نیاز است گام‌های دیگری نیز برداشته شود. گام دوم ارائه آوانویسی یا آوانوشت درست و

^۱ E. B. Dhabhar 1912

دقیق این‌گونه متون است و گام پایانی، دست‌کم برای ایرانیان، برگردان و ترجمه این متون به زبان قابل فهم فارسی است. نامه‌های منوچهر، یکی از آن متون دشوار پهلوی است که ایران‌شناسان و زبان‌شناسان تاریخی خواهان دست‌یابی به درون و جستار محتوایی آن متن بوده و هستند. ولی پیچیدگی متن چنین امکانی را به آسانی به پژوهشگر نمی‌دهد.

دبایر دانشمند پارسی دیباچه درازدامنی در دست‌نویس پهلوی این متن آورده است.^۲ در این‌جا آهنگ بازگویی سخنان و دیدگاه ایشان را نداریم و آنچه که نیاز است پرداخته شود، سرگذشت کوتاهی از نویسنده نامه و خود نامه‌ها و سخن کوتاهی از درون مایه متن است.

سرگذشت منوچهر

منوچهر فرزند گشن جم رک (رهبر ملوی) و نامدار موبدان (موبدان موبد) و پیشوای سرزمین پارس و کرمان در سده نهم یزدی برابر ۲۵۰ یزدگردی بود. پدر او، گشن جم فرزند شاپور، پیشوای بهدینان بود که پس از مرگش منوچهر جانشین وی شد؛ هم‌چنین نیاکان وی تا ده نسل که به آذربایجان رسیدند، موبدان موبد زمان شاپور دوم ساسانی (۳۷۹-۳۰۹ م.) می‌رسد. پشت اندر پشت همه موبد و دین‌مرد بودند. او سه برادر داشت به نام‌های ژروانداد، اشوهیشت و زادسپرم که همگی موبد و دانشمند دینی بودند و هر یک دارای آثار و نوشته دینی. متن نام‌آشنای پهلوی به نام دادستان دینی که در ۹۲ پرسش گردآوری شده نوشته دیگری از خود منوچهر است. چنان‌که از درون‌مایه آثار منوچهر برمی‌آید

² E. B. Dhabhar 1912, pp. 1-20.

او مردی سخت دانا و فاضل در امور دینی و بسیار متعصب و جزم‌اندیش در آن به‌شمار می‌آمده است. او پیشه موبدی را بر دیگر پیشه‌ها به‌ویژه دبیری و نویسندگی برتری می‌داده است و به زبان قلم آورده است که در پیشه دبیری چندان توانا و چیره‌دست نیست و ادعایی هم در آن ندارد (نک. نامه‌ها). سبک و سیاق نامه‌ها گویای درستی سخنان اوست. منوچهر دارای سه نامه است که در زیر به گزارش چندی و چونی آن‌ها می‌پردازیم.

نامه‌های منوچهر

منوچهر سه نامه در باب ایبر برشنوم از خود برجای گذاشته است. نخستین نامه او خطاب به مردم سیرکان (سیرجان) است. دومین نامه او به برادر خود، زادسپرم هیربد سیرکان (سیرجان) است، و سومین نامه‌اش که یک نامه سرگشاده به‌شمار می‌آید، خطاب به همه بهدینان پارس و کرمان و ایران زمین است. از این نامه‌ها برمی‌آید که زادسپرم، هیربد سیرجان در گزارش آیین برشنوم که بسیار دشوار و مفصل بوده و شرح آن در وندیداد نهم اوستا (نک. ۱ تا ۳۰) آمده است، به پیروانش دستور داده به جای آن از آیین برشنومی ساده‌تر که بسیار کوتاه و ساده‌تر از آن است و شرح آن در وندیداد هشتم اوستا در دهام ۹۹ تا ۱۰۳ آمده است. دین‌داران بسیار متعصب سیرجان از این فتوای او سخت برآشوفتند و چنان پنداشتند که او نوآوری کرده و بدعت در دین آورده است و از کار او به برادر بزرگتر وی، منوچهر، موبد بزرگ پارس و کرمان، شکوه کردند و برداشت و نظر او را در این مورد جویا شدند. و از وی خواستار رسیدگی به این مسئله شدند. منوچهر نیز هم‌چون دین‌داران سخت‌گیر برآشوفت و آزرده‌خاطر شد به

شیراز رفت با زردشتیان انجمن فراگیر تشکیل داد و از آن شهر نخستین نامه درباره نظرات و استدالات خود و انجمن را آنچه درباره برگزاری آیین برش‌نوم ضروری بود به مردم سیرجان نوشت. منوچهر در استدالات خود از گزارش‌گران و مفسران پهلوی درباره برش‌نوم که در وندیداد آمده به‌خوبی بهره می‌برد و فتوای برادرش، زادسپرم را رد کرده و سخت بدان می‌تازد و آن را مغایر با شرع و قانون زردشتی می‌داند و او را یک بدعت‌گزار دینی اعلام می‌کند. دومین نامه را به خود زادسپرم می‌نویسد و گویا آن را با یکی به‌نام یزدان‌پناه به سوی زادسپرم گسیل می‌دارد (نک. نامه نخست، فصل یازده، بند ۶ و ۱۰). در این نامه نیز همان مسائل را دوباره طرح می‌کند. نامه سوم را در قالب یک نامه سرگشاده خطاب به همه به‌دینان پارس و کرمان و ایران‌زمین می‌نویسد و از آنان می‌خواهد از برگزاری برش‌نوم با فتوای زادسپرم سخت سر بیزند و به برش‌نوم پیشین و اصلی بازگردند.

آیین برش‌نوم

واژه برش‌نوم برگرفته است از واژه اوستایی *brəšnu-* بر، بلندی، نوک، بالای هرچیزی» (در حالت دستوری رایبی مفرد به ریخت *brānu-*) و آن خود برگرفته است از ریشه *barəz-* به معنی «بلند بودن».^۳

آیین برش‌نوم برای پاک شدن و شست‌وشوی (تطهیر و غسل) کسی که بر خوردی و تماسی با تنِ مرده داشته یا به مردار دست زده یا چیز آلوده‌ای را لمس کرده برگزار می‌شود؛ نیز برای پاک‌ی روانِ کسی که (مرده یا زنده) خواندن وندیداد برای خود و روان خویش یا برای شادی روانِ درگذشتگان همراه با

^۳ Chr. Bartholomae 1904, 951.

برگزاری آیین برش نوم نُشوَه (نُه شبِه) که کرفه بزرگی است اجرا می گردد. هم چنین به سبب این که نوزاد در شکم مادر خون دشتان (حیض) می خورد و بر تن او ناپاکی وارد می شود، این آلودگی همانند گناه ازلی نیازمند زدودن آن از تن انسان است تا روان او بتواند به بهشت راه یابد. این آیین را نوزودی می نامند. در درازای زندگی هرکسی باید دست کم یک بار آیین برش نوم نُشبِه را برگزار کند. اگر کسی نتواند آن را در زندگی برگزار نماید، پس از مرگ، کسی را به عنوان «گیتی خریده» برگزیده و به او خواسته و مال گیتی می دهند تا او به جای شخص درگذشته، اجرای برش نوم و دیگر اعمال بپردازد. البته آیین برش نوم در متون دینی به شکل روناگو در پیچیده است و امروزه از همه آنها، برش نوم نُشوَه (به نُشوَه رَوَد) برجای ماند است.

در وندیداد آمده است که «... بنان سگامی که با تن مرده برخورد کنند و تماسی با آن داشته باشند باید برای پاک سازی (تَهْمیر) از آن آلودگی اجرا کنند که به آن برش نوم می گویند. گزارش آن بدین گونه است:

۱) برگزاری آیین برش نوم بدون سپری کردن مُس، دو، از دیگر بهدیتان، برپایه فرگرد هشتم وندیداد، بندهای ۳۷ تا ۷۲.

۲) برگزاری برش نوم ساده بدون انزوا و سپری کردن نُه شب در انزوا، برپایه فرگرد شانزدهم وندیداد، بند ۱۲.

۳) برگزاری آیین برش نوم با انزوا و سپری کردن نُه شب دور از دیگران که به برش نوم نُشوَه (نُه شبِه) معروف است، برپایه فرگرد نهم وندیداد.

۴) پاک شدن و تطهیر از طریق برش‌نوم کوتاه و مفصل برپایه فرگرد نوزدهم بند ۲۵.

روشن است که جستارها و مفاهیم آغازین برش‌نوم در درازای زمان از میان رفته است و موبدان و دین‌مردان تنها از برش‌نوم نه‌شبه در آیین تطهیر و شست‌وشو و پاک شدن از آلودگی و هم‌چنین در برگزاری دیگر آیین‌های چون یسنا و وندیداد پیروی می‌کنند.

یادآوری می‌شود که برش‌نوم باید در برش‌نوم‌گاه برگزار شود که زمان و مکان و شرایط آن خاص است. دست‌کم باید سی گام دور از شهر و آب و آتش و برسم و غیره باشد. موبدان مردم‌ارزنده سه گام از شخص آلوده باید فاصله داشته باشد تا مراسم را اجرا کنند. برای شرح کامل این آیین با جزئیات بیشتر به کتاب ارزشمند مودی، به نام مراسم و آیین مهری، یعنی مراسم، فصل پنج، مراجعه شود.^۴

ساختار نامه‌های منوچهر

اینک گزارش کوتاهی از ساختار نامه‌های سه‌گانه منوچهر: نامه نخست دارای ۱۱ فصل یا بخش است. پیش از آغاز فصل‌ها خواننده با یک پیش‌رآمد یا مقدمه کوتاه روبرو می‌شود. فصل نخست دارای ۵ بند، دوم ۱۴ بند، سوم ۱۷ بند، چهارم ۱۸ بند، پنجم ۸ بند، ششم ۱۱ بند، هفتم ۱۸ بند، هشتم ۷ بند، نهم ۱۵ بند، دهم ۱۳ بند و یازدهم ۱۳ بند است که طولانی‌ترین نامه منوچهر، این نامه است.

^۴ J. J. Modi, 1922, pp. 102-161.

نامه دوم ۹ فصل یا بخش دارد. پیش از فصل‌ها دارای یک سرآغاز یا پیش‌درآمد کوتاه است. فصل نخست آن دارای ۱۷ بند، دوم ۱۳ بند، سوم ۱۶ بند، چهارم ۶ بند، پنجم ۱۹ بند، ششم ۸ بند، هفتم ۶ بند، هشتم ۵ بند و نهم ۱۵ بند است. از این‌رو از نظر حجم پس از نامه نخست قرار دارد.

نامه سوم یک فصل یا بخش دارد، و آن همراه با یک سرآغاز کوتاه و دارای ۲۳ بند است.

سبک نگارش نامه‌های منوچهر

نامه‌های منوچهر در ورخی‌های سبکی برخوردار است که از دیدگاه سبک‌شناسی آن را از دیگر متون متمایز می‌سازد. نخست آن که شیوه نگارشی آن پر از الفاظ و تعقید دست‌وپاگیر به همراه عبارات سنگین و بلند و حاوی جمله‌های مرکب و معترضه و متنوع است. دوم آن که سبک ادبی و اصطلاحات دینی کهن و ناشناخته در جابه‌جایی متن جابخوش کردند که دریافت متن را دوچندان سخت و دشوار و پرابهام می‌سازد. سوم آن که خواننده به جای یک متن ادبی و معیار فقهی یا تاریخی با نامه‌نگاری روبرو است، که نویسنده (منوچهر) می‌کوشد دیدگاه خود را به زبانی بیان نماید که پایه آن صورت‌گذاری (شفاهی) و بی‌قاعدگی زبان روزمره است. به سخن دیگر، این نامه‌نگاری هنگامی نوشته شده است که زبان پهلوی یک زبان مرده به‌شمار می‌آمد و نویسنده آهنگ آن دارد زبان گفتگو و مباحثه روز را با آن زبان خاموش به مخاطب یا مخاطبان خود تفهیم کند. این سبک نگارش این متن است که نامه‌های منوچهر را از دیگر متون هم‌زمان پهلوی برجسته و مجزا می‌کند.

چنان‌که گذشت و از متن نامه یکم بخش سوم بند ۴ برمی‌آید، منوچهر خود را دارای پیشه دبیری نمی‌داند و کار موبدی و دین‌مردی را برتر و ویژه‌تر از آن می‌پندارد که خود را به آن پیشه محدود سازد و این گونه ابراز فروتنی روش و شیوه بوده که در میان دیگر دبیران و پیشه‌وران دبیری آن روزگاران رواج داشته و هم اکنون نیز دارد.

در این متن، موضوعات دشوار و پیچیده بیان می‌شود که حاوی نکات فقهی همراه شرح و بسط است، و عموماً ناشناخته و غریب می‌نماید که این محتوا و چیره‌است نبوده نویسنده و دنبال‌روی از سبک نگارشی کهن، دلایل قابل‌فهم نبودن و دشواری متن است. برخلاف او، برادرش زادسپرم، چنان‌که از متن پهلوی گزیده‌های زادسپرم روشن می‌شود در پیشه دبیری و نویسندگی بسیار آزموده‌تر و کارآگاه‌تر است.

شایان یادآوری است که متن پهلوی در دست است که روش نامه‌نگاری را آن‌چنان که باید و شاید در روزگاران آغاز برآمدن اسلام به ایران برای خوانندگان عرضه می‌دارد که در اثری به نام *سوم پهلوی* گردآوریده جاماسب آسانا، تحت نام آیین نامه‌نویسی، صفحات ۱۳۲ تا ۱۴۰ سنج است. چنان‌که برمی‌آید منوچهر در آغاز و انجام نامه‌های خود، به‌ویژه نامه ساحت، نامه دوم، اصول نامه‌نگاری آمده در آن شیوه نامه‌نویسی را به‌خوبی رعایت کرده است.

باید یادآوری کرد که برخلاف متن آیین نامه‌نویسی، در نامه‌های منوچهر، نویسنده از جایگاه برتر به شخص فرودست‌تر از خود، نامه‌نگاری می‌کند و بدین اساس است که خود را در برابر برادرش، زادسپرم، شاگرد و کوچک نمی‌شمارد (نک. نامه دوم، بخش ۵، بند ۵). نکات دیگری که بسیار نمایان است منوچهر

فردی صاحب کمال است و مجهز به دانش‌های زمان خویش، واژگان و عباراتی که در نوشته‌های خود به کار می‌برد آکنده است از دین‌آگاهی و اصلاح‌شناسی فقهی و آیینی کهن، که برخواننده امروزی این واژگان و اصطلاحات چندان آشنا نبوده و دریافتش میسر نیست. برخی ایران‌شناسان بدان پرداخته‌اند.^۵

افزون بر آن، در دسترس نبودن و فقدان پاسخ نامه‌های او از سوی زادسپرم، باز خواننده را سردرگم می‌کند او را با چالشی روبرو می‌سازد که گاهی تخیل ذهنی و سفسطایی، به همراه حدس و گمان هم نمی‌تواند محتوای احتمالی پاسخ نامه زادسپرم را دریابد. و عواملی چون بدخوانی و دشواری متون زبان پهلوی، توأم با خوانش‌های انحرافی آن و خطاهای رسم‌الخط و تصحیف و تحریف نویسندگان و نسخه‌نویسان، همه سبب دشواری‌های فراوان این گونه متون است.

در نوشتن متن نامه‌ها، منوچهر از ابزار زبانی مانند بذله‌گویی و ریشخند، شکوه و شکایت و گله‌گذاری بهره برده است. در کنار آن، استفاده از آرایه‌های ادبی و سخنان کنایی و تشبیه و ضرب‌المثل بی‌بهره نبوده است. یادآوری او به نادرست بودن آن طالع‌بینی که از درهم‌آمیزی شیوه‌های استرماره و ستاره‌شناسی در زیج شهریاری و زیج هندی و زیج بطلمیوسی به دست آمده است (نک. نامه دوم، بخش ۲ بند ۹ به بعد)، یا تمسک به آژند و مثل ادعای پیامبری فردی به نام زردشت (نامه دوم، بخش یک، بند ۱۳)، بیرون آوردن سنگ از آب و جدا کردن زر از خاک برای تشخیص میان خوب و بد (نامه نخست، بخش یک، بند ۳) مثل گاؤری که به او گفتند آلودگی جامه را پاک کن و او جامه را در آتش نهاد (نامه دوم، بخش سوم، بند ۱۶) و آن هیربدی که نیایش نمی‌خواند ولی گرفتن

^۵ E. W. West, 1882, p. 19; M. Shaki, 1993, p. 551.

خوردن می و گوشت را از یاد نمی‌برد (نامهٔ دوم، بخشی نهم، بند ۳)، برخی از نمونه‌ها است که حکایت از آن دارد نویسنده از گفتار و زبانزدهای روزمره و تشبیهات و کنایات رایج گفتاری بیشتر بهره برده است.

روش کار

نامه‌های منوچهر از آن متونی است که به سبب سبک نگارش و محتویات دشوار و دیرنهم تاکنون به فارسی برگردان و ترجمه نشده است. ما نیز در این چاپ آن را به فارسی ترجمه کرده‌ایم، ولی برای این که نمونه کاری از خود در این کار نشان داده باشیم سبک ساده‌ای را که کوتاه‌ترین نامهٔ منوچهر است، به فارسی برگردانده‌ایم تا در چاپ بی‌دلیلی اگر بخت و زمان یار ما بود دو نامهٔ دیگر را هم به فارسی برگردان خواهیم کرد. دلیل این کار این بوده است نخست یک متن انتقادی به دست دهیم و یک نمونه ترجمه ارائه کنیم تا پژوهندگان این حوزه هم نقد و نظری فرمایند و ما را یاری و راهنمای کنند.

چنان که گذشت دانشمند پارسی هند، دابار بیش از ده سال پیش، دست‌نویسی منتشر کرده که با نسخه‌بدل‌های واژه‌های مسئله‌دار برپایهٔ نسخ باقی مانده در هر صفحه آمده است. ما برای ویراست انتقادی و با توجه به ترجمه‌ها و نمونه کارهای پیشین، به‌ویژه کارهای ارزشمند کانگا، دیگر دانشمند پارسی و دیگران، نسخه‌ای به صورت اتوئوسی همراه با نسخه‌بدل‌ها و نمونه‌های گزینشی در پانوشت فراهم آوردیم تا پژوهشگران را به کار آید و در کنار آن واژه‌نامهٔ متن را به همراه نمایهٔ پهلوی با واژگان بسامدی متن و برابرندهای فارسی فراهم ساختیم که دست‌کم بتوانیم دشواری‌های صدصدی آن را به نود درصد کاهش

دهیم و راه را برای پژوهش‌های بعدی هموار سازیم، تا چه اندازه در این راه و در این کار کامیاب بودیم، داوری بر گردن خوانندگان است؛ اما همین بس که تاکنون چنین کاری، به‌ویژه به زبان فارسی، انجام نگرفته است، مگر برخی پایان‌نامه‌های دانشگاهی که امید است در آینده به صورت ویراسته منتشر شوند.

پیشینه کار

چنان‌که در آغاز این گفتار یادآوری شد، گویا نخستین ترجمه این کار از آن ادوارد وست،^۶ استاد ایران‌شناس انگلیسی، می‌باشد که به زبان انگلیسی، در کتاب‌های مقدس شرق با ویراستاری ماکس مولر، جلد ۱۸، متون پهلوی، بخش ۳، به سال ۱۸۸۲ در انتشارات اکسفورد انگلستان به چاپ رسید.^۶ ترجمه وست ترجمه آزادی از مفاهیم و کلیات متن است. متن پهلوی آن را دابار دانشمند پارسی به سال ۱۹۱۲ در بمبئی چاپ کرده است. اساس کار دابار برپایه نسخه‌های شناخته‌شده BK و J و MR و MR^۱ است و در کنار آن دست‌نوشته‌های دانشمند انگلیسی ادوارد وست (با نشانه W)، که از سوی انجمن آسیایی سلطنتی لندن، با برخی از متون به دستگام بمبئی فرستاده شده بود.^۷ پس از چندی، ف. م. کانگا، یکی دیگر از دانشمندان رست در مقالات گوناگون بخش‌ها و بندهای از نامه‌های منوچهر را منتشر کرده است. او از میان این نامه‌ها نامه سوم را به صورت کامل منتشر کرده است. برای آگاهی بیشتر از کارهای ایشان، نگاه کنید به کتاب‌نامه همین اثر.

^۶ E. W. West, 1882, pp. 277-366.

^۷ E. B. Dhabhar 1912. p. 18.